

متن پرسش

سلام علیکم: در یکی از پاسخهای قبلی تان، درباره محرومیت ما نسبت به داشته هایمان و همان بحث استحاله در ذیل توسعه و نظام سازی مدرن فرمودید و اینکه جهانی بین دو جهان طلوع کند که البته صبر و همت خاصه خویش را می طلبد. به نظر خروج از این به اصطلاح تذبذب تمدنی که در آن سوال مورد پرسش بود، اگر بخواهیم عبور کنیم و به خودآگاهی تاریخی جهت طلوع تمدن نوین اسلامی برسیم، بایستی اول از همه این را بفهمیم که تمدنها و نظام فرهنگ، یک شبکه به هم پیوسته و منسجم و در امتداد هم هستند و همچنین تمدنها، تحمیل گر اند. این تحمیل گری تمدنها واقعا مورد درک واقع نشده و خودش یک معضل و تشتت ایجاد کرده است. همین الان در حوزه های مختلف، بستر تمدنی مدرن را آورده ایم و نظام آنرا وارد کشور کرده ایم و حالا برای اینکه با مبانی انقلابی و دینی هم تضاد نداشته باشد و بتواند با روح عقاید ما هم همگونی ظاهری پیدا کند، از معارف اسلامی و چند حکم شرعی استفاده کرده ایم و بعد درون آن بستر نظام مدرن از این معارف احکام استفاده کرده ایم و گمان هم کرده ایم یک راه معتدل و معقول و صحیح در جهت تمدنی را استفاده کرده ایم و توانسته ایم هم از تجارب بشری و مدرن بهره ببریم و هم خب با مبانی اسلامی و انقلابی تعارض ندارد و ما از معارف شریعت برای تصحیح و توجیه و شکل گرفتن آن استفاده کرده ایم. مثال عرض می کنم، بسترهایی مثل بانک و بورس و بیمه و ساز و کارها و نهادهای اقتصادی مدرن را آورده ایم و آنها خود را بر بستر اقتصادی ما تحمیل کرده اند و در زندگی ما تثبیت شده اند بعد فکر کرده ایم با اقتصادنا شهید علامه صدر و احکامی مثل مضاربه و قرض الحسنه می توان این بستر را همگون با معارف اسلامی کرد و بدون اختلاف با مبانی شرعی کرد و شرائع اسلام را در همین بستر جلو ببریم. اما واقعا غافل شدیم که نظام توسعه و اکونومی مدرن بر جامعه و بستر اقتصادی ما تحمیل شده است و با تحمیل گری نهادها و بستر مدرن بر جامعه انقلابی ما رو به روییم و نتیجه این تحمیل گری چیزی جز همین بحران تمدنی و تذبذب تمدنی نیست و ما از معیشت اسلامی و تمدنی خود دور افتاده ایم و این است که مجبوریم از قواعد خاص آن که ذیل نظام فکری اجتماعی مدرنیته است تبعیت کنیم و بسیاری معاهده ها و قواعد را بپذیریم و دوباره در یک حیرانی به سر ببریم. اما من با طرح بحث تکمیل الگوی پیشرفت اسلامی که از سوی حضرت آقا دو سال پیش مطرح شد و افق گذاری که ایشان برای ۵۰ سال آینده ایران اسلامی کردند و افق تمدن نوین اسلامی هست، بسیار به گذار از این وضعیت امیدوارم و شاید گفته شود بی صبری و عجولی یا غیر واقع بینی است این نوع دیدگاه من، ولی واقعا بشخصه باز شدن این مسیر و آن چیزی که ان شاء الله می شود ما را در بر

بگیرد، حس می‌کنم. وقت آن است بدون بی‌صبری و در عین حال بدون ترکیب‌گری‌ها و بی‌دقتی‌های تمدنی مان و بدور از یاسی که ما را در این مسیر زمین‌گیر می‌کند و خودمانعی برای حرکت است و ما را درگیر یک سیر عادی و گزینش‌گری در زندگی و اجتماع مان می‌کند، با بصیرت تاریخی و تمدنی، معارف اسلامی را در نگاه کلان و تمدنی و نظام‌ساز ببینیم و با توجه به مسئله اسلام و مقتضیات زمان، طرح تمدنی خود را پیش ببریم و در برخورد با تمدن و نظام مدرن بدون التقاط و گزینش‌گری و ترکیب‌گری یا انزوا و تردید مدرنیته یا غربگرا و مدرنیزه شدن، نظام‌های مدرن را با تحمیل‌گری خاص شان نپذیریم بلکه عناصر و ابزاری که می‌تواند مثبت و موثر باشد و در ذیل نظام تمدنی ما معنا شود را در روح عقاید و تمدن مان مستحل کنیم کما اینکه شهید آوینی فرمود باید با بصیرت، ابزار و جسم این قالب‌ها را در روح عقاید خویش مستحل کنیم. کما اینکه خود شهید آوینی در روایت فتح چنین کرد و با بصیرتی که نسبت به ساختار هنر مدرن من جمله مستند داشت و آن‌را حجاب اکبر و منقطع از عهد الست می‌دانست ولی آنها را یکسره دور نزد و از آنها منزوی نشد بلکه جسم قالب یعنی بستر دوربین و مستند را در ذیل هنر انقلابی مستحل کرد و با آن ساختار توانست چنین اثر فاخری خلق کند و به نظر من، شهید آوینی موفق شد بستر هنر و معارف اسلامی_انقلابی را متناسب ظرفیت زمان و با خودآگاهی تاریخی، بر بستر مدرن تحمیل کند و یک برخورد تمدنی دقیق را داشته باشد و حتی نظم ابزاری مثل مستند و سینما را تغییر دهد و آن‌را در جهت مبانی انقلاب و با تحمیل‌گری خاص خود بیاورد. ان شاء الله که این مسیر و راه تمدن‌سازی با توکل و صبر و مجاهدت آوینی وار ما باز شود و ما را از این ترکیب‌گری و تذبذب تمدنی‌رهایی بخشد و ما را به آن افق تمدنی که باید برساند، نزدیک کند و امیدوارم متوجه شویم در نقطه‌ای از تاریخ ایستاده ایم که طرح لیبرال دموکراسی و کمونیسم برای تدبیر عالم و ارائه نظام و طرح اداره و جامعه‌سازی عالم در حال افول و زوال تدریجی قرار گرفته و حال وقت آن است که بشریت را به عالم و تمدنی متوجه سازیم که اسلام عزیز و انقلاب، ظرفیت خودسازی و جامعه‌سازی را فراهم می‌کند و آینده‌ای در جهت بازگشت و احیاء بصیرانه عهد قدسی را باید ساخت. سلامت و موید باشید؛ التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر بنده متوجه و متذکر نکات خوبی هستید. مسلم مردم هم به دنبال راه سومی هستند که آن راه، نه لیبرالیسم است و نه سوسیالیسم و فهم جهانی که در آن به سر می‌بریم جهت نظر و ورود به جهانی که انقلاب اسلامی در پیش روی ما قرار داده؛ بسیار مهم است. ما با بشری روبه‌رو هستیم که می‌خواهد در جهان گشوده‌ی ملکوت حاضر باشد و این با آموزه‌های عرفانی محقق می‌شود. با بشری روبه‌رو هستیم که می‌خواهد در ساختن جهان خود ورود داشته باشد و مسئولیت زندگی خود را، خودش به دوش بگیرد و این با روحیه‌ی انقلابی ممکن است و درک این نکات منجر می‌شود که ما در راه انقلاب اسلامی با اطمینان کامل قدم بگذاریم و از ملامت ملامت‌گران که خود را

مشغول چیزی کرده‌اند که نیاز حقیقی بشر نیست؛ هر‌اسی به خود راه ندهیم. موفق باشید